

بحث امشب درباره ترجمه جملات افعال ناقل به فارسی است. فعل ناقل را با یک مثال تعریف میکنم. در نقل قول زیر

He sighed: "I wish I was there".

فعل ناقل sigh است. فعل ناقل sigh علاوه بر معنی اصلی خود که بیانگر حالت گوینده هنگام گفتن جمله است حسب قرار دارد اهل زبان (البته زبان انگلیسی) در جملات نقل قول غیر مستقیم مفهوم گفتن را نیز منتقل میکند. این جمله را به دو شکل میتوان ترجمه کرد:

الف: آهی کشید و گفت: «کاش آنجا بودم.»

ب: آهی کشید: «کاش آنجا بودم.»

در جملات فارسی قدیم، تنوع افعال ناقل در نقل قول مستقیم و غیرمستقیم زیاد نبوده است. فعل «گفتن» از دیگر افعال ناقل بیشتر بکار میرفته و سایر افعالی که بخصوص در متون روایی بکار میرفته عبارت است از:

افعال ناقل در متون روایی فارسی قبل از عصر ترجمه (به نقل از مقاله مشترک اینجانب با خانم محبوبه نورا)

گفت/ پرسید/ فرمود/ به عرض رساند/ عرض کرد/ نهیب داد/ نهیب زد/ آواز برآورد/ صدا زد/ جار زد/ نعره زد/ نعره کشید/ نعره برآورد/ صدا برآورد/ قسم یاد کرد/ فریاد برآورد / فریاد برکشید/ فریاد زد/ خبرآوردند/ افزود/ جواب داد/ سوال کرد.

نمونه هایی از افعال ناقل که در انگلیسی بکار میرود:

"Doretta 'chided'; 'cautioned' Will;

She 'voiced' and he 'defended';

She 'vouchsafed'; he 'continued still';

She 'sneered' and he 'amended';

She 'smiled,' she 'twitted,' and she 'dared'

He 'scorned,' 'exclaimed,' 'pronounced,' and 'flared'.

"He 'waived,' 'believed,' 'explained,' and 'tried';

'Commented' she; he 'muttered';

She 'blushed,' she 'dimpled,' and she 'sighed';

He 'ventured' and he 'stuttered';

She 'spoke,' 'suggested,' and 'pursued';

He 'pleaded,' 'pouted,' 'called,' and 'viewed'.

ولی در پیکره زبانی مورد استفاده در مقاله فوق، تنوع افعال ناقل در متون ترجمه شده و تحت تاثیر ترجمه بسیار بیشتر است. نمونه هایی از این نوع افعال:

گفت / می‌خندد / نگاه میکند / شوخی می‌کند / غش‌غش می‌زند / نفس را در سینه حبس می‌کند / داد می‌زند / اشاره کرد / کرکر می‌زند / جواب می‌دهد / ادامه می‌دهد / تعریف می‌کند / پوز خند می‌زند / آه می‌کشد / پرسید / لبخند زد / نالید /

افزود / التماس کرد / صدا زد / فریاد زد / دست تکان داد / شنید / جواب داد  
تشر زد / تصدیق کرد / فرمود / خواند / نصیحت کرد / گلایه کرد / فکر کرد  
ترنم می‌کرد / توضیح داد / قسم و آیه آورد / مقر آمد / شروع کرد / تمام کرد  
دهن‌کجی کرد / تته‌پته کرد / سر تکان داد / دفاع کرد / اندیشید / تایید کرد  
تاکید کرد / دخالت کرد / نجوی کرد / گله کرد / فریاد زد / بصرافت افتاد  
راهنمایی کرد / فریاد کشید / نهیب زد / دنبال کرد / چانه زد / طعنه زد  
به گریه افتاد / زمزمه کرد / پیغام فرستاد / میان حرفش پرید / برگشت / اشکش سرازیر شد / سر بلند کرد / صدایش بلند شد / رو به من کرد / فرمان داد /

پیغام آورد / قطع کرد / چنگ زد / مکت کرد / پیغام داد / دلداری داد / غرید /  
ادا در آورد / گریه کرد / تعارف کرد / صدا کرد / بو کرد / به یادش آمد / اضافه کرد / غرغر کرد / پافشاری کرد / نعره زد / سوال کرد / غر میزد / تکمیل کرد / پاسخ داد / داد کشید / تقلید کرد / زانو زد / لبخند زد / روی آورد / نگریست / دست تکان داد / چرخید .

در مقاله فوق‌الذکر شیوه ترجمه افعال ناقل توسط مترجمان حرفه‌ای بررسی شده و معلوم شده که مترجمان از شش شیوه استفاده کرده‌اند. نمونه‌هایی از این شیوه‌ها در زیر آمده است:

#### 1- شیوه تحت‌اللفظی

'You're crazy!' he exploded.

بعد ترکید: «دیوونه شدی بابا!» (گنسبی بزرگ: 168)

"Queta was in Huacachina,"Ivonne interrupted, threatening him with her fare finger .

ایوون به میان صحبت دوید و با انگشت بسرینا را تهدید کرد: «کتا در هواکاجینا بود...» (گفتگو در کاتدرال: 417)

#### 2- ترجمه به گفت + قید

'Daisy! Daisy! Daisy!' shouted Mrs Wilson .

خانم ویلسن به فریاد گفت: «دی‌زی، دی‌زی، دی‌زی، دی‌زی!» (گنسبی بزرگ: 59)

'You make me feel uncivilized, Daisy,' I confessed .

به اعتراف گفتم: «دی‌زی، پیش تو، احساس میکنم...» (گنسبی بزرگ: 32)

.And then Bermudez abandoned her and left the country." Paqueta snorted"

پارکتا خرخرکنان گفت: «بعد برمودس ولش کرد و از مملکت رفت...» (گفتگو در کاتدرال: 404)

3- ترجمه به گفت (یعنی تبدیل یک فعل specific به یک فعل general یعنی گفت)

'This Mr Gatsby you spoke of is my neighbor,' I began .

گفتم: « این آقای گتسبی که شما صحبتش ...» (گتسبی بزرگ: 34)

'I've never seen so many celebrities,' Daisy exclaimed'

دی زی گفت: « هیچ وقت این همه آدم معروف ندیدم.» (گتسبی بزرگ: 139)

4- ترجمه به فعل ناقل دیگر

'Yes', admitted the child calmly.

بچه آرام جواب داد: «آره خاله جوردن...» ( گتسبی بزرگ: 152)

'Who are you, anyhow?' broke out Tom.

نام دوباره شروع کرد: «اصلاً شما کی هستین؟...» (گتسبی بزرگ: 171)

' We won't be late if we start now,' she insisted aloud.

زن به صدای بلند جواب داد: «اگر حالا.....» (گتسبی بزرگ: 136)

'Do they miss me?' she cried ecstatically.

با وجد پرسید: « دلشون واسه من...» (گتسبی بزرگ: 28)

'My dear,' she cried, 'I'm going to give you this dress as soon as I'm through with it .

مرتل رو به خانم مکی کرد: «عزیزم، به محض این که کارم با این لباس تموم شد بهت

میدمشم.....» (گتسبی بزرگ: 58)

5- حذف فعل ناقل

'Ten o'clock', she remarked, apparently finding the time on the ceiling.

«ساعت دهه.» و ظاهراً برای میس بیکر صفحه ساعتی که وقت را نشان می داد در سقف

قرار داشت. (گتسبی بزرگ: 348)

6- ترجمه لایه معنایی خاص فعل ناقل به قید یا جمله

'They're such beautiful shirt', she sobbed, her voice muffled in the thick folds .

« چه پیراهن های قشنگی ین!» هق هق گریه او لابلائی ده ها لا پارچه خفه می شد. (گفتگو

در کاتدرال: 124)

'Oh, let's have fun,' she begged him. (The Great Gatsby: 76)

دی زی به تضرع خواست: «سخت بگیر...» (گتسبی بزرگ: 155)

نمونه هایی دیگر:

1. خانم بنت گفت : ولی اجاره شده

`` But it is," returned she.

2. زنش بی طاقت شد و با صدای بلند گفت : نمی خواهی بدانی چه کسی اجاره اش کرده ؟

`` Do not you want to know who has taken it?" cried his wife impatiently.

3. آقای بنت ادامه داد: تا مری دارد فکرهايش را سبک و سنگین می کند بهتر است برگردیم سراغ آقای بینگلی.

زنش غر زد و گفت: من که از این حرفها خسته شده ام.

` While Mary is adjusting her ideas," he continued, ` let us return to Mr. Bingley".

`` I am sick of Mr. Bingley," cried his wife.

4. شوهرش از فرط استیصال داد زد: اگر دلش به حال من می سوخت این قدر نمی رقصید!

` If he had had any compassion for me," cried her husband impatiently, ` he would not have danced half so much!

5. اضافه کرد: ولی مطمئنم که لیزا اگر به مذاق او خوش نیامده ضرری هم نکرده

` But I can assure you," she added, ` that Lizzy does not lose much by not suiting his fancy;

6. ماگزیمف آهسته گفت: « اگر اینطور است، من د راین مدت نزد اسقف خواهم رفت»

کشیش با لحن تردید آمیزی گفت: «اسقف فعلا مشغول است. با اینهمه میل خودتان است.»

میوسوف با صدای بلند گفت: «عجب کنه ای است.»

“ If so I’ll go straight to the Father Superior,” babbled Maximov.

“The Father Superior is engaged just now. But as you please — ” the monk hesitated.

“Impertinent old man!” Miusov observed aloud,

خلاصه بحث: وقتی جمله ای را به صورت مستقیم نقل میکنیم، فعل ناقل د رانگلیسی (بیش از فارسی) قادر است که

1. شیوه بیان گوینده را برساند: مثل cry, exclaim, gasp

2. کیفیت صدای گوینده را برساند: مثل mutter, scream, whisper

3. نوع احساس گوینده را موقع گفتن برساند: مثل: giggle, laugh, sob

4. میتواند با قید همراه شود مثل angrily, brightly, cautiously, hoarsely, quickly, slowly

البته تنوع افعال ناقل و نیز تنوع قیود و عباراتی که این افعال را توصیف میکنند در فارسی قدیم بمراتب کمتر بوده است.

در ضمن نسل جوان ( آمریکائیا و تازگی انگلیسیها) در گفتگوی روزانه (و نه در کلام مکتوب) برای نشان دادن عین کلام فرد از فعل like

(be like, say like, go like)

استفاده میکنند: چند نمونه:

1. When I saw it, I was like [pause] "This is amazing"!

2. So all of a sudden, he was like [pause] "What are you doin' here"?

3. From the first day she arrived, she was like [pause] "This is my house, not yours".

4. So I'm like "Well, sure" and she's like "I'm not so sure" . . .

تکلیف: جملات زیر را ترجمه کنید:

1. "I have some good news," she whispered in a mischievous way

2. "What is it?" he snapped immediately

3. "Can't you guess?" she giggled

4. "Oh, no! Don't tell me you're pregnant" he wailed

5. "Is everything all right?" he asked immediately

"The grass looks fine, if that's what you mean".

"What grass?" he inquired blankly. "Oh, the grass in the yard." He looked out the window at it, but, judging from his expression, I don't believe he saw a thing.

"Looks very good," he remarked vaguely.

ترجمه افعال ناقل از انگلیسی به فارسی کار سختی است چون همینطور که گفتم در فارسی قدیم از افعال محدودی در نقل قول استفاده میشده و در واقع بیشتر افعال ناقل انگلیسی (بجز said) از دو یا چند لایه معنایی تشکیل شده اند و طبیعی است که ترجمه فعلی انگلیسی که چند وجه معنی را میرساند به یک فعل همیشه در فارسی ممکن نیست.

اجازه بدهید این روشها را یک یبی بحث کنیم. اول شیوه تحت الفظی

'You're crazy!' he exploded.

بعد ترکیب: «دیوونه شدی بابا!» (گنسبی بزرگ: 168)

در اینجا دو اتفاق افتاده: یکی آن که یک قرارداد نگارش ادبی به فارسی وارد شده و آن اینکه مفهوم گفتن را در خود فعل مستتر کرده ایم. یعنی نگفتیم ترکیب و گفت. گفتیم ترکیب و بعد دو نقطه آورده ایم یعنی گفت.

اتفاق دوم این که فعل ترکیدن را تحت اللفظی ترجمه کردیم و معادل آن را در فارسی در چنین شرایطی بکار نبردیم. ضمن اینکه بین دو فعل ترکیدن و گفتن در فارسی فاصله زمانی ایجاد میکنیم یعنی در فارسی میگوییم خندید و گفت.

راه حل دوم: ترجمه به گفت + قید

'Daisy! Daisy! Daisy!' shouted Mrs Wilson .

خانم ویلسن به فریاد گفت: «دی زی، دی زی، دی زی!» (گنسیبی بزرگ: 59)

'You make me feel uncivilized, Daisy,' I confessed .

ه اعتراف گفتم: «دی زی، پیش تو، احساس میکنم...» (گنسیبی بزرگ: 32)

این راه حل بهتر است چون فعل گفتن را از آن وجه معنایی که در فعل اصلی نهفته جدا میکند و فعل ناقل را با دو کلمه بیان میکند که فارسی تر است ضمن این که از معنی جمله اصلی چیزی کم نمیشود

دوستان . اصل این است که ترجمه ترجمه به نظر نرسد. ترجمه ادبی زبانی تصنعی نداشته باشد. و هر جمله در متن ترجمه چنان نوشته شده باشد که به همان اندازه احتمال وجود آن در متنی تالیفی وجود داشته باشد. در غیر این صورت خواننده ترجمه ادبی فقط جسم (محتوا یا داستان) را دریافت میکند و نه روح و زیبایی آن را.

به نظرم vaguely از معنی دل دل کنان دور است . بیشتر به "با بی توجهی" نزدیک است.

دل دل کنان تردید را میرساند و vaguely بی توجهی و گیجی و منگی را

به نظر من اگر نتوانستیم به ترجمه خوبی برای vaguely در این جمله برسیم به عنوان آخرین راه حل ترجمه می کنیم: گفت. این فتوای من است و مطمئن باشید هیچ اتفاقی نمی افتد. اگر یک چیز از دست می رود چند چیز دیگر به دست می آید. ترجمه یعنی شازش، یعنی از دست دادن و گرفتن، یعنی نسبت. مهم این است که اولویتهای ما در ترجمه متن چیست. راه حل های ثابت برای همه موارد وجود ندارد/

ما دو دسته مترجم داریم: مترجم به صورت. و مترجم به معنی. پیش خودمان بماند من دسته اول را مترجم نمیدانم. دسته دوم را مترجم میدانم ولو اگر در کارهایشان گاه خطاهایی هم ببینم. این خطاها قابل بخشش است مادامیکه شما سعی میکنید معنی را بازسازی کنید. ولی تنبلی و ناتوانی شما برای بازسازی صورت به هیچ عنوان قابل درک و گذشت نیست.

من ترجمه هایی بنا بر اصول مورد نظر خودم برای تکلیفی که دادم پیشنهاد میکنم ولی توجه کنید که این ترجمه ها به غیر از آخری خارج از بافت صورت گرفته و هدف من صرفا نشان دادن اصول کلی ترجمه افعال ناقل است. قطعا ترجمه های دیگر و بهتر هم ممکن است.

1. "I have some good news," she whispered in a mischievous way"

با لحن اغواگرانه ای گفت: "خبر خوبی دارم برات."

2. "What is it?" he snapped immediately"

با لحنی تند بلافاصله گفت: "چی؟"

3. "Can't you guess?" she giggled"

با شیطنت خنده ای کرد و گفت: "حدس بزن."

4. "Oh, no! Don't tell me you're pregnant" he wailed".

گفت: "نگو که حامله شدی." از صدایش نگرانی می بارید.

در مورد بخش پنجم، لازم به توضیح است که این بخش از رمان گتسبی بزرگ انتخاب شده است. در اینجا گتسبی بعد از پنج سال دوری قرار است دیزی را ببیند و به همین دلیل حواسش متوجه این دیدار است و به توجهی به اطراف ندارد. این رمان را آقای کریم امامی ترجمه کرده ولی من در حال حاضر ترجمه آن را ندارم. خودم آن را ترجمه کردم.

5. "Is everything all right?" he asked immediately"

"The grass looks fine, if that's what you mean"

"What grass?" he inquired blankly. "Oh, the grass in the yard." He looked out the " window at it, but, judging from his expression, I don't believe he saw a thing

"Looks very good," he remarked vaguely"

بلافاصله پرسید: "همه چی مرتبه؟"

گفتم: "اگه منظورت چمنه، چمن عالیه."

با نگاهی مات به من خیره شد و گفت: "چمن چی؟ اوه منظورت چمن توی حیاطه." از پشت پنجره به چمن نگاه کرد ولی از حالت صورتش معلوم بود که اصلا چمن را ندیده. حواسش پرت بود. گفت: "چمن عالیه."

دوستان عزیز: چون ترجمه نهایی وجود ندارد، و ترجمه من هم بهترین نیست، فقط میخواستم یادآوری کنم که آنچه مهم است توجه به قواعد کلی است. قاعده مورد نظر ما این بوده که هیچ یک از عبارات ما ترجمه ای به نظر نرسد. عبارت ترجمه ای یعنی عبارتی که در متون تالیفی شما هیچوقت آن را نمی بینید و فقط در متون ترجمه ای می بینید. این عبارات هیچ ارزش و معنایی ندارند چون از جنس عبارات اهل زبان نیستند. مرحوم امامی فارسیدان خوبی بوده اما در این ترجمه قاعده دیگری مبنای کارش بوده. ایشان میخواستند که دقت را به حد اعلا برسانند و بابت این قاعده غلط مجبور شده بهایی بردازد. مثلا جمله "مبهم گفت" این تصور را ایجاد میکند که عمدا مبهم گفت و اصلا حالت حواس پرتی طرف را نمیرساند.

راهنمای شما در یافتن معادل باید بافت باشد نه فرهنگ لغت. vague هم خارج از بافت و هم در فرهنگ لغت معادل‌های بسیاری دارد از جمله مبهم. ولی اینجا. در این بافت اصلا بحث ابهام مطرح نیست. این کلمه شما را فریب داده است. اگر از درون بافت به کلمه نگاه کنید متوجه میشوید که تمام توجه گتسبی به آمدن قریب الوقوع دیزی است و بنابراین حواسش اصلا به راوی نیست. و صفات blank و vague هر دو ناظر بر این جنبه از معنی هستند. یکی از خطرهای بزرگ در ترجمه این است که ما معنایی را که از کلمه میدانیم بر بافت تحمیل کنیم، کاری که مدام اتفاق می افتد. این را میگوییم ترجمه از برون و لی ترجمه بر اساس بافت ترجمه از درون است.

همانطور که گفتم، لایه معنایی مورد نظر در قیود و افعال ناقل giggle, snap و vaguely را لازم نیست حتما با یک کلمه بلکه میتوان با یک عبارت یا جمله بیان کرد. مثل: گفت: "چمن عالیه." معلوم بود حواسش پرت است.

افعال ناقل دو معنی را منتقل میکنند، یکی معنی گفتن را و دیگری کیفیت یا شیوه بیان یا احساس گوینده را. در ترجمه این افعال ما دو مساله داریم. یکی این که فعلی انتخاب کنیم که آن معنای دوم را برساند. نکته دوم این است که اگر بگوییم نالید: "....." آیا خواننده مفهوم

گفتن را از این عبارت می فهمد؟ البته این یک قرارداد ی است که از طریق ترجمه وارد فارسی شده و بعضیها هم مثل من آن را نپذیرفته اند چون در متون تالیفی حداقل متون تالیفی و روایی قدیم دیده نشده و اصلا هیچ نیازی هم به آن نیست. بنابراین به نظر من در ترجمه افعال ناقل، میتوانیم از دو فعل (یا یک فعل و یک قید و یا یک فعل و یک عبارت قیدی) استفاده کنیم. به این دلیل است که در ترجمه همه افعال مثالهای بالا شما فعل گفت را می بینید چون در جملات انگلیسی هم فعل گفت (به صورت مستتر) وجود دارد ولی در فارسی در سطح جمله ظاهر شده است و آن وجه معنایی که در فعل ناقل هست به صورت قید یا عبارت آمده است. به نظر من این شیوه ترجمه باعث میشود که خواننده حس نکند دارد ترجمه میخواند یعنی به زبانی میخواند که تصنعی است و مبتنی بر قراردادهای زبان تالیف نیست.

مشکل دیگری که در ترجمه شما بود این بود که چون شما میخواستید به اصطلاح دقیق باشید بجای فعل ناقل انگلیسی که دو وجه معنایی در خود دارد مثل متن انگلیسی یک کلمه انتخاب کنید بناچار مثلا فعل نالیدن را انتخاب کرده اید. حال آن که در بافت جمله وقتی میگویید فلانی نالید، اینجا نالیدن تصویر دیگری به ذهن خواننده منتقل میکند و خواننده را از معنی مورد نظر دور میکند. این اشکال از آنجا ناشی میشود که شما میخواهید مثل انگلیسی دو مفهوم را در یک کلمه بیان کنید و این قدرت در فارسی نیست. نتیجه چیزی تصنعی میشود که فقط در متون ترجمه دیده میشود. اینجا خلاقیت میتواند کمک کند و در هر مورد عبارت یا قیدی انتخاب کنیم که هم معنی را بسیار دقیق برساند و هم تصنعی و ترجمه ای و غیرفارسی جلوه نکند.